



نقش تشکیل خانواده در رشد فردی و اجتماعی

جواد پرویزی^۱

چکیده:

خانواده یکی از نظام‌های اولیه جوامع بشری است که با وجود تحولات اساسی، در اهداف و کارکردهای خود ثابت مانده و هنوز در همه جوامع اهمیت اساسی دارد. و هرچند از نظر ظاهری کوچک‌ترین واحد اجتماع به شمار می‌آید، ولی از جهت اهمیت و ارزش، اساس و پایه اجتماع و به عبارتی هسته مرکزی اجتماع می‌باشد. خانواده، مناسب‌ترین نظام برای تأمین نیازهای مادی، روانی و معنوی بشر بوده و بهترین بستر را برای تأمین امنیت و آرامش روانی اعضا، پرورش نسل جدید و اجتماعی کردن فرزندان و برآورده ساختن نیازهای عاطفی افراد فراهم نموده است. در این مقاله به مهم‌ترین آثار فردی و اجتماعی تشکیل خانواده مانند حفظ عفت، کسب آرامش، رسیدن به کمال، انتقال ارزش‌ها و آداب و رسوم، استحکام بخشیدن به جامعه، برآورده شدن نیاز عاطفی، زمینه‌سازی تربیت فرزند، افزایش ارزش اعمال، رسیدن به رشد اقتصادی و اشاره می‌شود و در پایان آثار نامطلوب ترک ازدواج از جمله توسعه انحرافات و فساد و فحشاء، بیماری‌های روحی و روانی و امراض جسمانی، بروز ناهنجاری‌های اجتماعی، محرومیت از لذات مشروع و عقلانی، محرومیت از رسیدن به مقامات معنوی را تبیین خواهیم کرد.

واژگان کلیدی: تشکیل خانواده، آثار فردی، آثار اجتماعی، ترک ازدواج

۱. دانش آموخته حوزه علمیه قم و محقق و کارشناس روان‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).



مقدمه :

خانواده یکی از نظام‌های اولیه جوامع بشری است که با وجود تحولات اساسی، در اهداف و کارکردهای خود ثابت مانده است و هنوز در همه جوامع اهمیت اساسی دارد. خانواده از نظر ظاهری کوچک‌ترین واحد اجتماع به شمار می‌آید، ولی از جهت اهمیت و ارزش، اساس و پایه اجتماع و به عبارتی هسته مرکزی اجتماع است.

خانواده مناسب‌ترین نظام برای تأمین نیازهای مادی، روانی و معنوی بشر بوده و بهترین بستر را برای تأمین امنیت و آرامش روانی اعضا، پرورش نسل جدید و اجتماعی کردن فرزندان و برآورده ساختن نیازهای عاطفی افراد فراهم نموده است. با این حال در عصر حاضر، نظام خانواده دچار مشکلات و چالش‌های اساسی گردیده و حتی گاه اساس و تمامیت آن نیز زیر سؤال رفته است. اختلاف‌های خانوادگی، طلاق، فرزندان بی‌سرپرست و بزهکاری نوجوانان و جوانان، نشان‌دهنده مشکلات اساسی در خانواده‌هاست. این امر شدت نیازمندی خانواده‌ها به توصیه‌های تربیتی برای رویارویی با پیچیدگی‌های زندگی کنونی را آشکار می‌سازد. خوشبختانه ما از پیشینه فرهنگی و علمی غنی و کارآمدی برای مواجهه با مسائل خانواده بهره‌مندیم. مهم‌ترین متون دینی ما (قرآن و کلمات معصومین علیهم‌السلام سرشار از توصیه‌های کارآمد و متناسب با عصر حاضر، در باب اساسی‌ترین مسائل خانواده تا جزئی‌ترین موارد آن است. در ادامه به مهم‌ترین آثار فردی و اجتماعی و تشکیل خانواده اشاره می‌شود و در پایان، آثار نامطلوب ترک ازدواج را تبیین خواهیم کرد.

۱. حفظ عفت و مصونیت از گناه

تشکیل خانواده از بزرگ‌ترین عوامل عصمت در برابر گناهان و انحرافات بوده، کمک شایانی در طهارت روحی و پاکی انسان می‌نماید. در روایات با تعبیر مختلفی ازدواج را حافظ نصف^۱ یا دوسوم^۲ دین برشمرده‌اند و این بدان معناست که تشکیل خانواده می‌تواند بخش عظیمی از عوامل و زمینه‌های انحراف و کج‌روی در انسان را از بین

۱. من تزوج فقد احرز نصف دینه (وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۳۵).

۲. ما من شاب تزوج فی حداثه سنه الا غنح شیطانهُ بقول یا وَبِهَ عَصَمَ مِنِّی ثَلَاثِی دینَه (همان، ص ۱۷).



ببرد و مسیر عبودیت و بندگی را هموارتر و کوتاه‌تر سازد و در نتیجه موجبات پاک‌ی و طهارت انسان را فراهم کند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در همین زمینه می‌فرماید: «هر کس که دوست دارد خداوند را در حالی ملاقات کند که پاک و پاکیزه باشد، پس باید به همراه همسرش به دیدار خداوند برود.»^۱ با نگاهی گذرا به انحرافات اخلاقی و بزهکاری‌ها و جرایم اجتماعی، این حقیقت ملموس می‌شود که اکثر آن‌ها توسط افرادی که ازدواج نکرده‌اند صورت می‌گیرد.

۲. کسب آرامش

مهم‌ترین اثر و بزرگ‌ترین نقش ازدواج در زندگی، تحصیل آرامش روانی و سکون قلبی زن و شوهر در سایه روابط عاطفی آن‌ها با یک‌دیگر است. قرآن کریم در آیات متعددی به این واقعیت اشاره می‌کند؛ مثلاً در آیه ۲۱ سوره روم می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» و از نشانه‌های خداوند این است که از نوع خودتان همسرانی برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و میانتان دوستی و رحمت نهاد، به درستی که در این امر آیات فراوانی وجود دارد برای آنان که تفکر می‌کنند. در آیه ۱۸۹ سوره اعراف نیز چنین می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا» اوست که شما را از نفس واحدی آفرید و جفت وی را از او پدید آورد تا در کنار او بیاساید و آرام گیرد. این تصریح قرآن به سکونت و آرامش بخشی ازدواج را می‌توان چنین تبیین کرد: در میان انسان‌ها، نزدیک‌ترین رابطه عاطفی میان زن و شوهر برقرار است. همین رابطه در کاهش نگرانی‌ها، اضطراب‌ها و آشفتگی‌ها نقش اساسی دارد، به طوری که خانواده منبع مهمی برای تأمین حمایت روانی و عملی در مقابله با تنش شناخته شده است. نقش روابط خانوادگی در ایجاد و دوام آرامش وقتی روشن می‌شود که تأثیر فقدان یا آسیب به این روابط را مشاهده کنیم. در میان حوادث استرس‌زا، شدیدترین اضطراب ما در اثر ضربه و از هم‌گسیختگی روابط خانوادگی پدید می‌آید.^۲



۱. من أحب ان یلقی الله طاهراً مطهراً فَلْيَلْبَسْهُ بَرُوعَةَ (بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۲۰).
 ۲. محمدرضا سالاری فر، خانواده در نگارش اسلام و روان‌شناسی، ص ۵۳، به نقل از: محمدعلی مظاهری و دیگران، «مقیاسه بهداشت روانی در زوج‌های ...» ص ۵۳



۳. همسر شایسته بهترین نعمت

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در کلامی نورانی در تبیین اهمیت ازدواج و فواید و آثار فراوان و برکات بی نظیر آن، چنین می‌فرمایند: «هیچ مسلمانی - بعد از اسلام - به چیزی بهتر از همسری مسلمان و شایسته، بهره‌مند نشده است.»^۱ بعد از اصل مسلمانی بهترین چیزی که می‌تواند انسان را به سمت خدا و معنویت سوق دهد و او را در مسیر صحیح انسانیت قرار دهد، همسری شایسته و درست‌کار است. امام سجاد علیه السلام نگاه به زن به عنوان نعمتی الهی را به عنوان یکی از حقوق زن بر مرد برمی‌شمارد: «و اما حق زن این است که بدانی خداوند او را مایه آرامش و انس تو قرار داده است [رجوع به بحث قبلی]. پس بدانی که این نعمتی است از طرف خداوند بر تو، و او را اکرام کرده و با نرمی و مهربانی با او رفتار کنی.»^۲

گفته‌اند: «الرفیق ثم الطریق»^۳، چراکه همراه و قرین انسان نقش بسزایی در تعیین مسیر حرکت و جهت‌دهی او بر عهده دارد، و در مسیر تقرب الهی بهترین همگام و همراه و رفیق راه، که خستگی‌ها را به راحتی، اضطراب‌ها را به آرامش، یأس‌ها را به امید و در راه ماندگی‌ها را به حرکت تبدیل می‌کند، همان همسر شایسته است. تشکیل خانواده نخستین و مهم‌ترین گام در کسب و تحصیل این نعمت بزرگ الهی به شمار می‌رود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۴. کمال انسان در گرو تشکیل خانواده

از آثار روان‌شناختی ازدواج که تا حدی به نوع این پیمان مربوط می‌شود، تأثیر و تأثر شدید زن و شوهر از یکدیگر است که شاید بتوان آن را عمیق‌ترین و قوی‌ترین تأثیر متقابل در روابط اجتماعی دانست. عبارتهایی در متون اسلامی به این واقعیت روان‌شناختی اشاره دارد؛ مثلاً در مورد مردان گفته شده است که با ازدواج، اختیار خود را به دست زن می‌دهند، پس متوجه باشند که عنان اختیار خود را به دست چه کسی



۱. «ما استفاد امره مسلم فائدة - بعد الاسلام - الفضل من زوجة مسلمة (أو صالحة)» (وسائل التبییه، ج ۱۴، ص ۲۳).
 ۲. «و اما حق الزوجة فان تعلم ان الله عزوجل جعلها لك سكناً و اسأ فتعلم ان ذلك نعمة من الله عليك فتكرمها وترفق بها و ...» (کافی، ج ۵، ص ۳۳۰).
 ۳. اول انتخاب دوست، بعد طی مسیر.

می‌دهند.^۱ هم‌چنین هنگام ازدواج گفته شده است که ببین چه کسی را کنار خود قرار می‌دهی، در مالت شریک می‌کنی و بر دین و اسرار آگاه می‌سازی.^۲ در مورد زنان نیز گفته شده است که با ازدواج به تبعیت کامل شوهر در می‌آیند.^۳ هر دو تعبیر نشان از وابستگی عمیق و متقابل زن و مرد دارد. بر این اساس هر یک از زن و مرد، در رفتار و افکار و نگرش‌ها به شدت تحت تأثیر طرف مقابل قرار می‌گیرد. از آن‌جا که این امر لازمه ازدواج است، در تعالیم اسلام توصیه‌های اکیدی درباره گزینش همسر به ویژه شوهر وجود دارد، از جمله این‌که اعتقادات و رفتار فرد مورد گزینش در مسیر صحیح باشد.^۴

قرآن کریم در توصیف تأثیر شدید زن و مرد از یک‌دیگر، از کنایه زیبایی استفاده می‌کند که دقت در آن ما را به نکات ظریف بسیاری رهنمون شود: «آنان (زنان)، برای شما لباسی هستند و شما برای آن‌ها لباسی هستید.»^۵ یعنی زن و مرد، مکمل، حافظ، آبروبخش و رازپوش هم‌دیگرند و هر کدام به دیگری نیاز دارد و همان‌طور که انسان بدون لباس در جامعه، احساس نقص، اضطراب، عدم مصونیت و زشتی می‌کند و لباس او تمام این کاستی‌ها را برطرف می‌کند، زن و شوهر نیز مکمل یکدیگرند و باعث تکامل و آرامش یکدیگر شده، و از یکدیگر در خطرهای و فشارها محافظت می‌کنند و موجب زینت و رشد هم می‌شوند.

شهید مطهری (ره) در این زمینه می‌فرماید: «یک خصایص اخلاقی هست که انسان جز در مکتب تشکیل خانواده نمی‌تواند آن‌ها را کسب کند. [تشکیل خانواده] یعنی یک نوع علاقه‌مند شدن به سرنوشت دیگران ... با مطالعه کتاب این امر در انسان پیدا نمی‌شود. تجربه نشان داده است که اخلاقیون و ریاضت‌کش‌ها [آیی] که این دوران را نگذرانده‌اند، تا آخر عمر یک نوع خامی و یک نوع بچگی در آن‌ها وجود داشته است. و یکی از علل این‌که در اسلام ازدواج یک امر مقدس و یک عبادت تلقی شده همین

۱. «انما المرأة فلاة فانظر ما تفلد» (وسائل الشیمة، ج ۱۳، ص ۲۸).

۲. «انظر این تضع نفسک ومن تشرکه فی مالک وتطله علی دینک وسرک» (همان، ص ۱۳).

۳. «الکاح رقی فاذا انکح احدکم ولیده فقد ارقها فلینظر احدکم لمن یرق کریمته» (همان، ص ۵۲).

۴. سالاری فر، همان، ص ۵۳.

۵. «فمن لباس لکم وانتم لباس لهن» (بقره / ۱۸۷).





است.^۱ خلاصه این که خانواده، مرکبی است که اجزایش محتاج یک‌دیگرند، ترکیبی از «زن و مرد»، «مادر و پدر»، «عقل و عاطفه»، «دلیری و دلبری»، «فکر و دل»، «ضمختی و ظرافت»، «دریا و امواجش و کوه و استواریش»، «آسمان و بارشش و زمین و خنده‌اش» و ...

۵. انتقال‌دهنده ارزش‌ها و آداب و رسوم

خانواده به عنوان هسته اول همه سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی، انتقال‌دهنده فرهنگ و آداب و رسوم فرهنگی، ملی و دینی، از نسلی به نسل جدید است. این نهاد به علت استمرار و دوام، محبت و عطوفت و انس و الفت بین اعضاء و ... مهم‌ترین نهاد در پی‌ریزی شخصیت ارزشی و اجتماعی نسل جدید است و سبب می‌شود که نسل آینده بهتر و بیشتر از توطئه‌های دشمن مطلع شود و در خنثی کردن آن‌ها موفق‌تر باشد و بهتر حافظ و حامی معیارها و ارزش‌های ملی و مذهبی و فرهنگی بوده، مبلغ آن‌ها از نسل گذشته به آیندگان باشد، که هیچ نهادی - از رسانه‌های گروهی و ملی گرفته تا مدرسه و مساجد و مجالس مذهبی - نمی‌تواند چنین تأثیرات عمیق و مستمر و ریشه‌داری داشته باشد، زیرا همه این عوامل هم‌چون خشت‌های ساختمان شخصیتی اجتماعی فرد هستند. لذا مؤثرترین عامل در انتقال ارزش‌ها و آداب و رسوم از نسلی به نسل دیگر خانواده است. امیرالمؤمنین علی علیه السلام ادب را به عنوان بهترین میراث پدران برای پسران ذکر می‌کنند.^۲

۶. صلاح جامعه در گروه صلاح خانواده

از دیگر موارد اهمیت خانواده این است که سنگ بنای جامعه است و جامعه چیزی جز اجتماع خانواده‌ها نیست. لذا صلاح و فساد جامعه از خانواده سرچشمه می‌گیرد. آن‌جا که بنیاد خانواده محکم و استوار باشد، جامعه نیز از استحکام و هم‌بستگی لازم برخوردار خواهد بود و هرگاه خانواده تهدید شود جامعه نیز مورد حمله قرار می‌گیرد

۱. شهید مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۲۵۱.
 ۲. «خیر ما وزت الایاه الایناه الادب» (غررالحکم، ج ۵۰۳۶).

و چنان‌چه بنیاد خانواده متزلزل شود پایه‌های اجتماع نیز به لرزه درمی‌آید. بذر جامعه در زمین خانواده‌ها ریشه دوانیده است. هرچه زمین سرسبزتر و آبادتر باشد بذر زودتر و بهتر جوانه می‌زند و بیشتر رشد می‌کند و چنان‌چه زمین به سمت خشکی و فساد پیش رود امیدی به سرسبزی و طراوت محصول نیز نخواهد بود. بی‌شک جامعه‌ای می‌تواند استعدادهای خود را شکوفا و بارور کند که زمینه‌ای (خانواده‌هایی) مستعد و پویا داشته باشد: «وَالْبَدُّ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبثَ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا ...»^۱

۷. خانواده کانون عاطفه

همه انسان‌ها نیاز دارند که هم دوست داشته باشند و هم دوست‌شان داشته باشند؛ محبّت باشند و محبوب، هم دلبری کنند و هم دلدادگی. البته این نیازی نیست که بتوان آن را انکار کرد. در متون دینی هم در موارد فراوانی به این مسأله اشاره شده است، برای مثال آن‌جا که خداوند می‌خواهد خطر ارتداد را گوشزد کند از این نیاز استفاده کرده و عدم برآورده شدن آن را به عنوان عقاب مطرح می‌نماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هر کس از شما از دینش برگردد خدا به زودی جمعیتی را به عرصه می‌آورد که دوستشان دارد و دوستش می‌دارند.»^۲ تا آن‌جا که دوستی اولیاءالله و محبوب بودن در آسمان و زمین به عنوان ارزش و آرمان و آرزوی الهی و معنوی مطرح شده است.^۳

خانواده مهم‌ترین و بهترین موقعیت را برای برآورده شدن این نیاز حیاتی به وجود می‌آورد. در کودکی بیشتر جنبهٔ دوست داشته شدن و محبوب بودن تقویت می‌شود، چرا که این دوره بیشتر دورهٔ «خودبینی» است. کودک در این دوره همه چیز را برای خودش می‌خواهد، حتی به پدر و مادر هم به چشم وسیله و ابزار نگاه می‌کند. البته خانواده هم به بهترین نحو این نیاز را پاسخ می‌دهد. در دورهٔ جوانی بیشتر به دوست داشتن دیگری نیاز دارد که باز هم تشکیل خانواده‌ای جدید تنها راه ارضای کامل و

۱. «و سرزمین پاک، گیاهان آن به اذن پروردگارش [بربار] برآید، و آن [زمینی] که ناپاک است جز حاصلی ناچیز و بی‌فایده برنیآورد ...» (اعراف، آیه ۵۸).

۲. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ» (مائدة، آیه ۵۴).

۳. «اللهم فاجعل نفسي .. محبةً لصفوة أوليائك، محبوبةً في أرضك وسمائك، خدایا مرا دوست‌دار برگزیدگان از اولیانت قرار بده و محبوب در زمین و آسمانت» (زیارت امین‌الله، مفاتیح‌الجنان، ص ۶۱۷).



صحیح و منطقی این نیاز است.

شهید مطهری می‌گوید: «تا وقتی که رابطه زوجین با یک‌دیگر شهوانی یعنی رابطه جنسی باشد، قهراً اینها به هم به چشم یک ابزار نگاه می‌کنند. رابطه جنسی یک امر حیوانی و طبیعی است، برای اطفای غریزه جنسی، زن برای مرد یک ابزار بیشتر نیست و مرد هم برای زن یک ابزار است، ولی مسأله زوجین و کانون خانوادگی و فلسفه خانوادگی و روح خانوادگی عبارت است از روح مافوق غریزه جنسی که میان دو نفر پیدا می‌شود، یعنی شخصیت یک‌دیگر را دوست دارند و تا سنین پیری که دیگر مسأله غریزه جنسی به کلی ضعیف یا نابود می‌شود علقه خانوادگی و محبت میانشان هست و روزبه‌روز هم شدیدتر می‌شود... این اولین مرحله‌ای است که انسان از لاک خودفردی خارج می‌شود. و به همین دلیل ازدواج در اسلام جنبه اخلاقی دارد با این که یک امر شهوانی است.»^۱

روابط عاطفی بین والدین و فرزندان، ارضاءکننده، نشاطبخش و آرامش‌دهنده دو طرف است. افزون بر آن، منشأ برقراری روابط عاطفی مناسب فرزندان با همسران آینده و سایر افراد جامعه است. هم‌چنین گفته‌اند که منشأ بسیاری از روابط عاطفی از قبیل دوستی، کمک به دیگران و هم‌دلی، همین روابطی است که در خانواده برقرار می‌شود.^۲

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 ژانویه ۱۳۸۷
 فصلنامه علمی تربیت اسلامی

۸. زمینه‌سازی برای تربیت فرزند^۳

یکی از کارکردهای مهم ازدواج و تشکیل خانواده، استمرار نسل انسانی و پرورش افراد برای آینده جوامع است که دین اسلام نیز بر آن بسیار تأکید کرده است. پیامبر ﷺ در تشویق افراد به ازدواج، بر تولید نسل تأکید می‌کند و آن را موجب افتخار خود می‌داند.^۴ در بُعد فردی، بیشتر انسان‌ها علاقه دارند که نسل آن‌ها استمرار یابد و فرزندان از خود بر جای بگذارند. دین اسلام به این نیاز روانی (فرزندخواهی) توجه

۱. مرتضی مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۲۴۷.

۲. محمدرضا سالاری‌فر، خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی، ص ۵۹.

۳. همان، ص ۵۸ (تلخیص).

۴. «تاکموا تکثروا فانی اباهی بکم الامم بوم القیامة» (بخارا انوار، ج ۱۰۳، ص ۲۲۰).

داشته و در متون اسلامی، دعاهای بسیاری برای صاحب فرزند شدن آمده است. در کلمات اولیاء آمده است که فرزند داشتن مایه خوشبختی است و از سعادت‌های انسان این است که فرزندی شبیه خود در اخلاق و رفتار و شکل ظاهری داشته باشد.^۱ کسی که در طلب فرزند نباشد خود را از حمایت اجتماعی قومی محروم کرده است، زیرا فرزند معمولاً بهترین یاور انسان می‌باشد.^۲

۹. ازدواج و تعالی اشخاص و اعمال

ازدواج و تشکیل خانواده باعث می‌شود تا ارزش و بهای اعمال انسان زیادتر شود، به طوری که پیامبر ﷺ می‌فرماید: «دو رکعت نماز شخصی که ازدواج کرده بهتر از هفتاد رکعت نماز شخصی است که ازدواج نکرده است.»^۳ هم‌چنین می‌فرماید: «کسی که ازدواج کرده و خواب است، نزد خداوند بهتر است از کسی که ازدواج نکرده و مشغول روزه و شب‌زنده‌داری است.»^۴ یعنی نه تنها ازدواج، اعمال انسان را رشد می‌دهد و قیمتی‌تر می‌کند بلکه به خود انسان هم بها می‌دهد. می‌توان گفت چون ازدواج ارزش وجودی انسان را بالا می‌برد و انسان را در مسیر صحیح ثابت‌قدم‌تر و از انحرافات دورتر می‌کند، به تبع خود شخص، عمل او هم با ارزش‌تر و عالی‌مقام‌تر می‌شود.

۱۰. ازدواج و رشد اقتصادی

امروزه در تصورات رایج بین مردم، مشکلات اقتصادی یکی از عمده‌ترین موانع ازدواج محسوب می‌شود. در صورتی که اگر بخواهیم با دید اسلامی به قضیه نگاه کنیم و به این امر مقدس همان‌گونه که خدا و اهل بیت علیهم‌السلام بیان کرده‌اند بنگریم باید زاویه دیدمان را عوض کنیم، زیرا به صراحت قرآن و وعده خداوند، در صورت فقر، خداوند زن و شوهر را از فضل خود بی‌نیاز خواهد کرد.^۵ در متون دینی بر خلاف تصور رایج،

۱. امام باقر علیه‌السلام: «من سعادة الرجل ان يكون له الولد يعرف فيه شبهة، خلقه وخلقته وشأنه» (اصول کافی، ج ۶ ص ۲).

۲. «من سعادة الرجل ان يكون له ولد يستعين بهم» (وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۹۶).

۳. وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۸

۴. «المتزوج النائم افضل عند الله من الصائم القائم الغزب» (بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۲۱).

۵. «وَأَنْكَحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِيمَانِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» (نور / ۳۲).





ازدواج سبب ازدیاد رزق و روزی به شمار آمده است.^۱ در دیدگاه دینی، آن جا که نیاز به ازدواج، شدید می‌شود به طوری که فرد بدون ازدواج به گناه می‌افتد (ازدواج بر شخص واجب می‌شود)، وجود مشکلات اقتصادی، نباید سبب به تأخیر افتادن آن شود، چراکه وعده خداوند مساعدت و ازدیاد روزی در اثر ازدواج است و چنین تأخیری نشان از ضعف ایمان و سوءظن به خداست، در حالی که^۲ «إِنَّ اللَّهَ لَا يُخَلِّفُ الْوَعْدَ»^۳

«بدیهی است با ازدواج، روابط اجتماعی فرد گسترده‌تر می‌شود و تشویق‌ها و کمک‌های والدین زوجین نیز زمینه‌ای برای بهبود وضعیت معیشتی خانواده نوپا فراهم می‌آورد.»^۴

ازدواج بین فرهنگ و طبیعت، تعادل برقرار می‌کند، و در مقایسه با سایر روابط انسانی، تمامیتی بی‌نظیر دارد؛ بدین معنا که ابعاد زیستی، اقتصادی، عاطفی، روانی و اجتماعی زندگی را پوشش می‌دهد.^۵

تشکیل خانواده، فرمان خدا،^۶ سنت رسول^۷ و سیره انبیاء^۸ و پاسخ طبیعی و فطری به نیاز ضروری تمامی موجودات است. ازدواج، ضرورت اجتماعی و تأکید مذهبی و دینی و عامل تکمیل دین و حراست از پاک‌دامنی و تقوا و زمینه بروز توانمندی‌ها و شکوفایی استعدادها و نیز عامل توسعه اقتصادی و رهایی از فردگرایی و استقلال در شخصیت و ورود به متن جامعه است. در اسلام قوانین و احکام و آداب بسیار زیادی وجود دارد که به نوعی حاکی از جایگاه رفیع خانواده از منظر این دین الهی است.

وضع قوانین و ضوابط دقیق خانوادگی همچون احکام و آداب ورود و خروج به منازل و خانه‌های دیگران، آداب و وظایف مهمان و میزبان، دستورهای اخلاقی و شرایط فقهی و مدنی در رابطه با نگاه و نظر به نامحرم و قسمت مهمی از احکام خاص بانوان در عبادات مثل عدم وجوب شرکت در جمعه و جماعات و ... از یک طرف، و تعیین مجازات

۱. «اتخذوا الاهل فانه ارزق لكم» (وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۲۴).

۲. «من ترك التزويج مخالفة العيلة فقد اساء بالله الطن» (وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۲۴).

۳. آل عمران / ۹، رعد / ۳۱، روم / ۶ زمر / ۲۰.

۴. سالاری، فر، همان، ص ۲۵.

۵. همان، ص ۱۷.

۶. نور / ۳۲.

۷. «النكاح سنتي، فمن رغب عن سنتي فليس مني» (بخاراانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۲۰).

۸. «من اخلاق الانبياء حب النساء» (روضة المتقين، ج ۸، ص ۸۷).

شدید برای متجاوزان به حریم خانوادگی هم چون تهمت، افتراء، روابط نامشروع و ... که استحکام و حراست از نهاد خانواده را برعهده دارند از طرف دیگر، نشان از اهتمام بالای اسلام به این بنای مقدس الهی است.

عواقب عدم تشکیل خانواده (عزوبت)

وقتی از اهمیت تشکیل خانواده و آثار و فواید آن سخن می‌گوییم به این معناست که نتیجه تأخیر در این امر یا دوری از آن و مجرد محرومیت از آن نتایج و انحراف از آن مسیر مستقیم و خروج از یک زندگی متعادل و رفتن به سمت کج‌روی‌ها و انحرافات و تخلفات و هنجارشکنی‌ها خواهد بود.

همان‌طور که قبلاً هم اشاره شد، در متون اسلامی به شدت بر ترک تجرد و عزوبت و رفتن به سوی تشکیل زندگی تأکید شده است. پیامبر ﷺ نسبت به یکی از اصحابش که بی‌دلیل ازدواج را ترک کرد، به صراحت و تأکید فرمود: «ازدواج کن، ازدواج کن، چرا که تو اشتباه کرده‌ای و به خطا رفته‌ای.»^۱ آن حضرت افراد مجرد را بدترین افراد امتش خطاب می‌نماید.^۲ البته بدیهی است که منظور افرادی است که شرایط ازدواج را دارند ولی به این کار مبادرت نمی‌کنند. هم‌چنین خطاب به یکی از اصحاب خود که با وجود شرایط ازدواج از این کار سر باز زده می‌فرماید: «ازدواج کن و گرنه از برادران شیاطین خواهی بود. [سپس به صراحت می‌فرماید] دو راه بیشتر نداری یا به سنت مسلمانان عمل کرده و ازدواج می‌کنی و یا جزء رهبانیین نصارا خواهی بود.»^۳ برخی روایات به لعنت الهی از بالای عرش و آمین گفتن ملائکه نسبت به شخصی که تنهایی اختیار کرده و ازدواج نمی‌کند خبر می‌دهند.^۴

اگر غریزه جنسی و دیگر نیازهایی که تنها در درون خانواده و در سایه تشکیل آن به طور کامل و صحیح برآورده می‌شوند در مسیر حقیقی خود (ازدواج) قرار نگیرند، آتشی در زیر خاکستر می‌شوند. چنان نیست که گمان کنیم با ترک ازدواج، طبیعت هم از تحمیل فشارهای روحی و روانی و جسمی ناشی از این نیازمندی‌ها خودداری می‌کند و

۱. «تَزْوِجٌ، تَزْوِجٌ فَاثِمٌ مِنَ الْخَاطِنِ».

۲. «شَرَارُ امْتِي عَزَابُهَا» (مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۵۵).

۳. «... تَزْوِجٌ وَالْاِثْمُ مِنَ الْاِخْوَانِ الشَّيَاطِينِ...».

۴. «رَبْعَةٌ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ مِنْ فَوْقِ عَرْشِهِ وَيُؤْتُونَ الْمَلَائِكَةَ، رَجُلٌ يَتَخَلَّفُ نَفْسَهُ وَلَا يَتَزَوَّجُ وَلَا جَارِيَةَ لِكَيْلَا يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ» (همان، ص ۱۵۶).



خاموش می‌ماند. همان‌طور که انسان تشنه اگر آب زلال و گوارا نیابد ممکن است برای رفع عطش به سوی هر نوشیدنی پست و کثیفی روی آورد، جوانی هم که آتش شهوت جنسی و ناآرامی روانی و اضطراب درونی، تمام وجودش را فراگرفته اگر به موقع و به طور صحیح تشکیل خانواده ندهد و آبی بر این آتش نریزد ممکن است برای فرونشاندن آن دست به هر کاری بزند و هر فاجعه‌ای به بار آورد. اینک به طور خلاصه به مواردی از عوارض عزوبت و ترک ازدواج و یا تأخیر در آن اشاره می‌کنیم:

۱. توسعه انحرافات و فساد و فحشاء

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خطاب به یکی از صحابه خود که با داشتن شرایط ازدواج به آن اقدام نکرده، بود، فرمودند: «تزوج والا وانت من المذنبین»^۱ ازدواج کن چرا که در غیر این صورت جزء گناهکاران خواهی بود» چنان که گذشت در روایتی دیگر فرمودند: «ازدواج کن که در غیر این صورت تو از برادران شیاطین خواهی بود.»^۲ وقتی انسان جزء شیاطین شد طبعاً انحرافات او هم شروع می‌شود. انحرافات که از نگاه حرام شروع می‌شود و به روابط نامشروع با هم‌جنس و جنس مخالف و ... کشیده می‌شود. از بزرگ‌ترین انحرافات و گناهان، سوء ظن به خداوند و عدم اعتماد به وعده‌های اوست که ترک ازدواج از ترس فقر را در روایات به آن مستند کرده‌اند.

۲. بیماری‌های روحی و روانی و امراض جسمی

گناهانی که در اثر عزوبت و تجرد، انسان را احاطه می‌کنند علاوه بر عذاب شدید اخروی، عواقب سوء دنیوی را نیز به دنبال دارند، از جمله بدنامی و رسوایی و مجازات‌های تعیین شده در شرع و قانون و مشکلات جسمی و روحی روانی مانند اضطراب، افسردگی، عزلت‌گزینی، خجالت‌های کاذب، تنه‌ایستی، بی‌ارادگی و ... «انجام رفتارهای خلاف اخلاق در اثر عزوبت و فشار نیازهای جنسی و عاطفی باعث بروز احساس گناه و حقارت در فرد می‌شود و همین امر به عزت نفس او آسیب می‌رساند. کاهش ارزش داور فرد

۱. مستدرک وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۵۵.
۲. همان.

نسبت به خود، مانعی برای تلاش فرد در جهت رشد و تکامل است.^۱

۳. بروز ناهنجاری‌های اجتماعی

بسیاری از ناهنجاری‌های اجتماعی از قبیل سرقت‌ها، قتل‌ها، نزاع‌ها و هتک حرمت‌ها، توسط افرادی انجام می‌شود که از خانواده‌ای سالم و صالح که بتواند نیازهای آن‌ها را برآورده کند، محروم هستند. چنانکه قبلاً نیز اشاره شد، صلاح و فساد جامعه در گرو صلاح و فساد خانواده است و اگر جامعه‌ای به سمتی پیش رود که ازدواج‌ها به تأخیر افتد و انگیزه‌ها برای آن کاهش یابد بی‌شک آن جامعه باید در انتظار نابسامانی‌های اجتماعی و هنجارشکنی‌های مختلف باشد و امنیت اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی خود را در معرض خطرهای جدی و ریشه‌ای ببیند.

۴. محرومیت از لذایذ مشروع و عقلانی

در سخنان اولیای دین علیهم‌السلام آمده است که مردم در دنیا و آخرت از هیچ چیز به اندازه روابط جنسی لذت نمی‌برند.^۲ کسی که تن به ازدواج نمی‌دهد خود را از این لذت‌های حلال محروم کرده است. در حالی که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم گروهی را که سوگند خورده بودند هرگز ازدواج نکنند، توبیخ کرده و به آیه قرآن استناد فرمودند: «ای مؤمنان! چیزهای پاکیزه‌ای را که خدا برای شما حلال کرده حرام نکنید و از حد تجاوز نکنید، که خداوند متجاوزان را دوست ندارد.»^۳

۵. محرومیت از تکامل و رسیدن به مقامات معنوی

قبلاً گفته شد که ازدواج سبب رشد و تکامل انسان می‌شود، بدین معنا که حتی اگر فرد بدون ازدواج کردن بتواند از نظر اخلاقی، خود را مهار کند، باز هم از رشد و تکامل ناشی از ازدواج بی‌بهره است. چنین افرادی راه و روش طبیعی مردم، به ویژه کامل‌ترین

۱. محمدرضا سالاری فر، خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی، ص ۵۷

۲. «ما تلذذ الناس فی الدنيا والآخره بلذة اکثرهم من لذة النساء» (مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۱۵۷).

۳. وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۹، مانده / ۸۷





انسان‌های گذشته، یعنی انبیاء علیهم‌السلام و اولیاء علیهم‌السلام را کنار گذاشته‌اند.^۱ این مسأله حتی در مورد افرادی که به سبب هدف‌های معنوی، در تمام عمر مجرد زیسته‌اند نیز صادق است. «تجربه نشان داده است که ... در همه آن‌ها یک نوع نقص ولو به صورت یک خامی وجود داشته است. گویی انسان یک نوع کمال روحی دارد که آن کمال روحی جز در مدرسه خانواده در هیچ مدرسه‌ای کسب نمی‌شود.»^۲

امام رضا علیه‌السلام فرمودند: «جبرئیل از قول خداوند به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم سلام فرستاد و فرمود تأخیر در ازدواج همچون تأخیر در چیدن میوه رسیده درخت موجب فساد و فتنه است.»^۳ بی‌شک تأخیر در امر ازدواج و یا ترک آن ضرر و زیان‌های مادی و معنوی و بی‌شماری را متوجه شخص و اجتماع می‌کند و رواج آن می‌تواند حتی به نابودی هر دوی آن‌ها بینجامد. لذا تأکید اسلام بر این است که انسان نه تنها خود در این امر پیش‌گام باشد بلکه تا می‌تواند در جهت وساطت دیگران در جهت تشکیل خانواده هم کوشش کند. به طوری که در روایات آمده است که: «بهترین شفاعت و وساطت این است که واسطه دو نفر در امر ازدواج شوی تا زمینه برای تشکیل خانواده برایشان فراهم شود.»^۴

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. «من اخلاق الانبیاء حب النساء» (وسائل، ج ۲۰، ص ۲۲)، محمدرضا سالاری فر، همان، ص ۵۷.
 ۲. مرتضی مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۲۳۹.
 ۳. بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۲۳.
 ۴. «افضل الشفاعات من تشفع بین اثنين فی نکاح حتی یجمع الله سملهما» (شهید ثانی، جعفریات، ص ۱۷۳).